

امافارسی گفته خود را ادامه می دهد: «بنابر این این راهپیمایی نیست که جرم است، این اجتماع نیست که جرم است، این ارتکاب جرم است که اگر علیه یکی از اصول اسلام تبلیغ کردند، چه در راهپیمایی، چه در اجتماع، چه در حزب یا زبانی منبر همه اش جرم است، ضمناً همه می دانیم که در دنیا هیچ توطئه ای از طریق راهپیمایی صورت نگرفته است. توطئه یعنی مقدمه چینی برای یک کاری که به طور سری و مخفی می کنند. در هیچ جای دنیا این کار را به وسیله راهپیمایی انجام نداده اند. بنابر این شما باید دو چیز را مشخص کنید: اولاً اظهار عقیده برخلاف اسلام چه از طریق راهپیمایی یا اجتماع یا کتاب باشد و چه زبانی و شفاهی باشد آیا عده ای که در خانه ای در بسته تجمع می کنند این کار به طور کلی ممنوع است؟ این را باید مشخص بکنید که چه کسی این جرایم و این عقاید را ممیزی می کند و تشخیص می دهد. این جرایم قانونش در جای دیگر تدوین می شوند در قانون اساسی، مجلس شورای ملی است که جرایم و جنایت را مشخص می کند نه قانون اساسی. در ادامه آقای تهرانی می گوید: ما داریم قانون اساسی تدوین می کنیم به طوری که آقای فارسی درباره جرم و جنایت و نحوه تشخیص آن صحبت کردند. ماکاری به جرم و جنایت نداریم، ما داریم برای راهپیمایی و تشکیل اجتماعات قانون وضع می کنیم، بنابر این بهتر است بنویسیم اجتماعات به شرطی آزاد است که بر ضدمبانی اسلام و امنیت عمومی نباشد. اما یزدی بار دیگر تأکید می کند: «اجتماعات آزاد است ولی همانطور که اجتماعات وسیله اظهار نظر است، ممکن هست وسیله اقدامات علیه یک مکتب و رژیم هم باشد. آن اجتماعی که وسیله اظهار نظر باشد، آزاد است ولی اجتماعی که علیه اسلام یا علیه مبانی اسلام باشد قطعاً نمی توانیم آن را آزاد بگذاریم. مطلب دیگر اینکه گفتید

اجتماعات توطئه آمیز نمی تواند باشد چون توطئه یک امر مخفی است، جوابش این است که این اجتماعات مقدمه ای برای توطئه یعنی توجه دادن افکار به این مسائل و به دنبالش اقدام کردن است.» (ناصر مکارم شیرازی) از نتیجه صحبت ها و نظرها چنین استنباط می کند که آقایان این اطلاق را کافی نمی دانند و به این اصل رأی نمی دهند بهتر این است که روی قیدش فکر کنیم به شرط اینکه توطئه علیه اسلام یا بر ضدمبانی اسلام و امثال اینها نباشد، قید را رویش بگذاریم و تمامش کنیم.

در این میان منبره گر جی فرد، تنها خانم عضو مجلس خبرگان قانون اساسی سخن می گوید: «می خواهم ببینم در جریان راهپیمایی کردستان که منجر به کشته شدن برادران کرد ما شد، غیر از این بود که اول راهپیمایی کردند و بعد مسلحانه آمدند و آن همه کشتار فجیعانه را راه انداختند؟ فقط به خاطر این بود که دولت قبلاً جلوی این

راهپیمایی را گرفته بود، پس برای اینکه خدای نکرده باز نظیر این تکرار نشود لاقلاً باید فکری بکنیم.» حدود دو ساعت است که بحث می کنند، نایب رئیس خطاب به جمع اجازه می خواهد بحث را تمام کنند: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی آزاد است» در اینجا بنابه پیشنهادی که آقای مکارم شیرازی و بعضی دوستان می کنند قید اضافه می شود و آن این است که «به شرط آنکه توطئه... (مدنی - مخمل امنیت و برخلاف مبانی اسلام نباشد). باید حدود «بر خلاف» را مشخص کرد یعنی اصلاً مطلبی برخلاف اسلام گفته نشود؟

■ اختلاف بنیادی است

این اصل قبلاً دوبار رد شده بود و بار سوم هم بعد از پایان صحبت های دکتر بهشتی رد می شود. بعد از پایان بحث شبیانی پیشنهاد می کند این اصل دوباره در کمیسیون رسیدگی شود تا یک قید مناسب در آن ذکر شود. اما «میر کریم موسوی اردبیلی» نظر دیگری دارد: «در این مسأله یک اختلاف بنیادی وجود دارد و گذاشتن این قیدها بی فایده است. اگر شما خیلی قید بگذارید که شبهه را از اذهان بیرون ببرید مفاد اصل از بین می رود. چون این اصل به عنوان یک اصل مترقی اینجا گذاشته شده است. بعضی از آقایان می گویند ما اعتصاب ها، راهپیمایی ها و اجتماعات را برای گروه های سیاسی و احتمالاً مذهبی و اجتماعی آزاد بگذاریم. این موضوع در نظر بعضی دیگر از آقایان شبهه شرعی دارد. بعد از اینکه گفته موسوی اردبیلی تمام می شود، همه همه نمایندگان شروع می شود. نایب رئیس می خواهد اصل را به رأی بگذارد و اگر رأی

نیاز دارد اصولاً قابل طرح نیست. بار دیگر بنی صدر حرف می زند: «شما به رأی بگذارید، یا ما هستیم که تظاهر می کنیم یا دیگران که تظاهر می کنند. وقتی به رأی می گذارید یعنی ما آزادیم و دیگران آزاد نیستند. چرا در ریاستی می کنید؟ بگوید تظاهرات حق ماست و دیگران در آن حقی ندارند. نایب رئیس به او پاسخ می دهد: «شما می توانید رأی ندهید. اما بنی صدر گفته خود را چنین ادامه می دهد: «اگر مقصود این است که غیر از مسلمان ها کسی حق حرف زدن نداشته باشد، این موضوع را صراحتاً بگویید ولی این را توجه داشته باشید که همیشه حکومت دست شما نیست. ممکن است فردا یک نظامی بیاید و همه اینها را علیه خود ما به کار ببرد. این را هم توجه داشته باشید.» بار دیگر همه از میان نمایندگان بر می خیزد و بنی صدر می گوید: «البته نمی خواستم جسارتی خدمت آقایان کرده باشم که بگویم حکومت باشد و شما نباشید ولی بنده باشم، بنابر این این مسأله خود ما بود و مسأله کس دیگری نبود. می گویم احتمال این را بدهید که یک روزی خدای نکرده یک کودتایی بشود و یک کسی بیاید و از این اصول سوء استفاده کند، غرض این نبود شما می خواهید قانونی بنویسید که خودتان حکومت کنید.»

اینجا طاهری گرکانی به بنی صدر پاسخ می دهد: من طرفدار این اصل هستم، اصل زنده ای است... اما نباید یک طوری جلوه بدهیم که بودن روحانیت در این مجلس تحت عنوان این باشد که می خواهند حکومت را منحصر به روحانیت کنند... مامی خواهیم اختناق ایجاد کنیم، مامی خواهیم توطئه علیه مبانی اسلامی نشود... مراد زهی از جو مجلس عصبانی می شود و می گوید: اگر قرار باشد در تمام اوقات جلسه سر و صدای کنیم دیگران نمی توانند حرف بزنند و اگر قرار باشد در کنار هر اصلی مثل غذاهای فرنگی، گوجه فرنگی و خیار شور بگذاریم، اینجا هم این کار را بکنید و قیود از جهت اسلامی و غیره بگذارید که «میرا سدا لله مدنی» می گوید چرا ادب جلسه رعایت نمی شود.

اختلاف های زیاد شده است و هر کسی روی مفهوم و قید و صفتی تأکید دارد. دکتر بهشتی می خواهد بار دیگر رأی بگیرد ولی ۴۲ رأی موافق بار دیگر این اصل رد می شود. قبل از بررسی اصل دیگر از قانون اساسی آیت الله منتظری تذکر می دهد: «ما گاهی از اوقات در این اصولی که تصویب می شود می خواهیم به اصطلاح ابرویش را درست کنیم، چشمش را کور می کنیم. مامی بگویم «اجتماع و راهپیمایی به شرطی که توطئه علیه هیچ چیز نباشد.» فردا هر اجتماعی که می خواهند بکنند و چهار نفر در یک مسجد جمع شوند، یک پاسان می آید می گوید می خواهید علیه امنیت کشور توطئه کنید. این معنائش این نیست که قدرت را دست دولت دهیم که از هر اجتماعی اعم از مذهبی و غیره جلوگیری کند. ما قبلاً دیده بودیم اگر چهار نفر می خواستند در مسجد جمع شوند و یک نفر هم از مبانی اسلام صحبت کند، شهر بانی می آمد و جلوگیری می کرد... اگر قید بگذاریم هر راهپیمایی و اجتماعی اعم از اینکه در مسجد یا در حسینیه باشد بهانه به دست دولت می دهد که بیاید و جلوگیری کند. بنابر این یک اصل بی خاصیت می شود.

بعد از آن دکتر بهشتی می گوید: «این اصل که تصویب نشود رد شود و بر طبق قرار می رسد و اگر ادامه دهیم بحث به جایی نمی رسد.» قرار بر این می گذارند که بار دیگر در کمیسیون روی این اصل کار کنند تا در جلسه دیگری بار دیگر اصل ۳۱ بررسی شود.

■ سومین جلسه تشکیل شد

بار دیگر روز دهم آبان ماه ۱۳۵۸ در شصت و سومین جلسه بررسی نهایی قانون اساسی اصل ۳۱ با شماره اصل ۲۹ قانون اساسی مورد بررسی قرار می گیرد. حسینعلی منتظری، رئیس جلسه متن را می خواند و بار دیگر اختلاف نظر ها شروع می شود. «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی های مسالمت آمیز بدون حمل سلاح و با اطلاع قبلی به شرط آنکه برخلاف مبانی اسلام نباشد، آزاد است.» دکتر بهشتی می گوید قرار بود بنویسید مخمل به امنیت...، ربانی شیرازی پیشنهاد می دهد: مسالمت آمیز را حذف کنید؛ بهشتی می گوید بنویسید مخمل به مبانی اسلام؛ ربانی شیرازی می گوید: مخمل به نظم عمومی. مکارم شیرازی می گوید: یعنی اگر بخواهیم در مسجدی اجتماع بکنیم قبلاً به مقامات مسئول اطلاع دهیم؟ «الطف الله صافی گلیاگانی» پیشنهاد می دهد: بنویسید اجتماع سیاسی. «محمد رشیدیان» آخرین نفری است که سخن می گوید: «این انقلاب زائیده اجتماعات و تظاهرات است و ما به جای اینکه اولین اصل بدون قید و شرط را راجع به تظاهرات و راهپیمایی ها تصویب کنیم، صد قید و بند بهش می زنیم. وقتی گفتیم مخالف با مبانی اسلام نباشد خودش همه چیز را دارد. باید بگویم تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها آزاد است، یعنی اصل بر آزادی اجتماعات و تظاهرات باشد بعد اگر می خواهید شرطی بگذارید، بگویید خلاف مبانی اسلام نباشد. تا اینکه در نهایت اصل ۲۹ قانون اساسی که بعد اصل ۲۷ قانون اساسی نامیده شد با این متن تصویب شد: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخمل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است.» این اصل بعد از سه جلسه بررسی در نهایت ۵۱ رأی موافق، ۲ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع تصویب شد و حاضران سه مرتبه تکبیر گفتند.